

نظریه ذخایر فرهنگی زوهر و بررسی راهبردهای ترجمه ریزفرهنگ‌ها: مورد پژوهشی رمان دایی جان ناپلئون در برابر ترجمه انگلیسی

بی‌نظیر خواجه‌پور (کارشناس ارشد مترجمی انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

binazir.khajepoor@gmail.com

علی خزاعی فرید (دانشیار مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

khazaeefarid@um.ac.ir

مسعود خوش سلیقه (دانشیار مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

khoshsaligheh@um.ac.ir

چکیده

مطالعه پیش رو به ارتباط میان فرهنگ و ترجمه می‌پردازد. نظریه ذخایر فرهنگی / یون زوهر (ابن زهر) مبنای این کار قرار گرفته، و رمان فارسی دایی جان ناپلئون در برابر ترجمه انگلیسی آن به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. این رمان به‌عنوان پیکره، ۶۶۲ صفحه و بالغ بر ۲۳۰ هزار کلمه است. ابتدا ریزفرهنگ‌ها^۱ در متن مبدأ به‌همراه ترجمه‌شان در مقصد استخراج شدند. با استفاده از تئوری داده‌بنیاد، نمودار درختی ذخایر فرهنگ ایرانی به‌دست آمده است. راهبردهای مترجم / افزایش، انتقال عینی، بومی‌سازی، حذف، تفصیل و فرهنگ‌زدایی بوده‌اند. گروه‌های ریزفرهنگ‌ها و راهبردهایشان، به‌همراه فراوانی آن‌ها و درصد راهبرد هر گروه ریزفرهنگ تهیه شد. به‌علاوه، برای هر راهبرد هم مقایسه گروه‌ها انجام گرفت. نمودار کلی راهبردها در ترجمه نیز تهیه شد که با بررسی آن مشخص شد، مترجم بیشترین راهبردش در قبال ریزفرهنگ‌های ایرانی ابتدا فرهنگ‌زدایی و سپس بومی‌سازی بوده است.

کلیدواژه‌ها: ذخایر فرهنگی، ریزفرهنگ، ایون زوهر، دایی جان ناپلئون، عناصر فرهنگی.

1. Repertories

۱. مقدمه

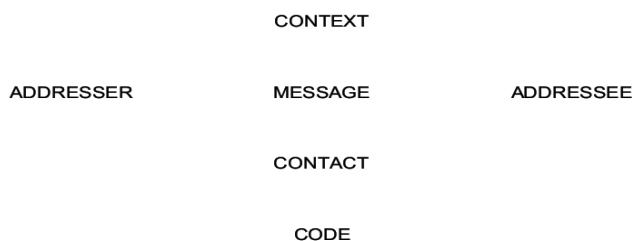
مطالعه پیش رو به مقوله «فرهنگ» در ترجمه می‌پردازد. بدیهی است که در ترجمه از زبانی به زبان دیگر تنها عناصر زبانی نیستند که منتقل می‌شوند، بلکه مقولات دیگری همچون تفاوت‌های فرهنگی، تأثیر پررنگی بر فرآیند ترجمه دارند. تحقیق فعلی بر اساس نظریه ذخایر فرهنگی^۱ ایون زوهر (ابن زهر)^۲ بنا شده است. ایون زوهر (۱۹۹۷، ص. ۱۷) فرهنگ را «مجموعه‌ای از ابزار ادراکی» می‌داند که «زندگی اجتماعی را ممکن می‌کنند»، و در جای دیگر فرهنگ را به این صورت تعریف می‌کند: «سیستمی یکپارچه، مجموعه‌ای ناهمگون از پارامترها، که انسان‌ها به کمک آن‌ها، زندگی‌شان را شکل می‌دهند». وی مجموعه اجزای موجود در هر سیستم را ذخایر^۳ می‌نامد. هر مجموعه از ذخایر شامل اجزای ریزتری است که آن‌ها را ریزاجزای نامیده است (ایون زوهر، مکاتبه شخصی، ۲۴ دی ۱۳۹۳). یعنی سیستم ادبیات دارای ذخایر ادبی، سیستم سیاست دارای ذخایر سیاسی و سیستم فرهنگ هم دارای ذخایر فرهنگی است. پس سیستم فرهنگ هر قوم، دارای یک ذخیره فرهنگی است و این ذخیره، از ریزفرهنگ‌ها^۴ تشکیل شده است. او ریزفرهنگ‌ها را به دو دسته کلی مادی^۵ و نشانه‌شناختی^۶ تقسیم می‌کند (ایون زوهر، مکاتبه شخصی، ۲۴ دی ۱۳۹۳). در این پژوهش، ریزفرهنگ‌های ایرانی موجود در پیکره‌ای کوچک از زبان فارسی استخراج و دسته‌بندی خواهد شد. برای این پیکره، رمان *دایی جان ناپلئون* اثر ایرج پزشکزاد (۱۳۸۳) انتخاب شده است که ترجمه انگلیسی آن را دیک دیویس^۷ در سال ۱۹۹۶ انجام داده است (پزشکزاد، ۲۰۱۴). ترجمه انگلیسی وی از رمان برای بررسی نحوه برخورد مترجم با ذخایر فرهنگ ایرانی انتخاب شده است.

1. Culture repertoire
2. Even-Zohar
3. repertoire
4. repertoreme
5. Culture repertoremes
6. material
7. semiotic
8. Dick Davis

ایون زوهر (مکاتبه شخصی، ۲۳ آبان ۱۳۹۳) برای مطالعه فرهنگ، دیدگاه و تفکر سیستمی خود را پیش گرفت. در این نوع نگاه نه تنها، از تفاوت‌های فرهنگی، آنچه فی‌الغور و واضح به چشم می‌آید، بررسی می‌شود، بلکه بایست به‌خصوص به اجزای زبان و گفتگوهای معمول و عرف به دیده شک نگریست. پس فرضیه پژوهش این است که بسیاری از استعارات و اصطلاحات زبانی ریشه‌های فرهنگی داشته‌اند. فرهنگ در این نوع بررسی باید عمیقاً ریشه‌یابی شود و هر پدیده‌ای که در لایه‌های پنهان خود از فرهنگ نشئت گرفته، باید در این دسته گنجانده شود. حال در این پژوهش، در سؤال اول ابتدا با بررسی دقیق و موشکافانه، هر آنچه ممکن است فرهنگی به حساب آید یا ریشه تاریخی در فرهنگ داشته باشد، استخراج می‌شود. سپس در سؤال دوم نحوه برخورد مترجم با ریزفرهنگ‌های ایرانی مشخص می‌شود. در این مطالعه با بررسی رمان به‌عنوان پیکره‌ای کوچک از فرهنگ فارسی، ابتدا تمامی ریزفرهنگ‌ها استخراج شده و سپس در مقابل معادل انگلیسی‌شان از ترجمه قرار داده شوند. هدف از این کار در مرحله اول به‌دست‌آوردن ریزفرهنگ‌های ایرانی طبق مدل زوهر است. سپس راهبردهای مترجم در قبال آن‌ها در ترجمه مشخص خواهد شد.

۲. چارچوب نظری

یاکوبسن (۱۹۶۰) می‌گوید که عواملی سازنده هر رخداد، گفتاری است. تمامی این عوامل جزء لاینفک ارتباط شفاهی هستند که طرح کلی آن در شکل ۱ آمده است:



شکل ۱. اجزای کنش زبانی یاکوبسن

ایون زوهر (۱۹۹۷) هنگام توضیح نظریه ذخایر فرهنگی، به این مدل شش وجهی یاکوبسن اشاره می‌کند و مدلی برای پدیده فرهنگی ارائه می‌دهد. وی با ایده گرفتن از مدل زبانی یاکوبسن طرحی کلی را برای بروز هر پدیده فرهنگی به صورت زیر مجسم می‌کند که اجزای آن را در شکل ۲ می‌بینید.



شکل ۲. اجزای مدل فرهنگی ایون زوهر

در این مدل، روابط بدین صورت است که مصرف‌کننده، محصولی را که تولیدکننده، تولید کرده، مصرف می‌کند، ولی برای اینکه محصول، تولید و به شکل مناسب مصرف شود، ذخایر مشترکی باید موجود باشد که قابل استفاده بودن آن از طرفی توسط نهاد و از طرفی توسط بازار که چنین محصولی به آنجا منتقل شده، محدود، تعیین یا کنترل شده است (ایون زوهر، ۱۹۹۷).

پس در دیدگاه ایون زوهر فرهنگ هم به مثابه یک سیستم بررسی می‌شود و مدلی که او برای بروز پدیده فرهنگی ارائه داد، در واقع نشان‌دهنده همان اجزا و روابط درون سیستم فرهنگ است. مشاهده می‌شود که عامل repertoire یا ذخایر سیستم، بخشی از مدل پدیده فرهنگی و بالطبع بخشی از سیستم فرهنگ است. اگر سیستم زبان را در نظر بگیریم، ذخایر زبان از ریزاجزایی مثل morpheme یا lexeme تشکیل شده، اما برای سیستم فرهنگ، ریزفرهنگ‌ها (به بیان دیگر culturemes) با این شفافیت قابل تشخیص نخواهند بود و مرزهای واضحی ندارند. در واقع ریزفرهنگ‌ها توسط اهالی فرهنگی خاص میان خوشه‌های بزرگ‌تر یا همان مدل‌ها، در طول رشد و زندگی میان گروهی خاص از مردم کسب می‌شوند. مثلاً مراسم «شام غریبان» یک رخداد فرهنگی در ایران است که شامل اجزا و روابط و اصول خاصی است. بوردیو (۱۹۸۴، ص. ۶۷) در تعریف عادت‌واره^۱ می‌گوید: «عادت‌واره سیستمی از طرح‌های

1. habitus

درونی شده موجود هستند که در طول تاریخ جمعی شکل داده شده، و در طول تاریخ فردی فراگرفته شده و در موقعیت‌های کاربردی‌شان عمل می‌کنند. ایون زوهر (۱۹۹۷) این تعریف را ارتباط میان ذخایر اجتماعی موجود و ذخایر کسب‌شده فردی می‌داند و می‌گوید فرهنگ در افراد «درونی شده»^۱ و در زبان «تبلور»^۲ یافته است (ایون زوهر، ۱۹۹۱، ص. ۹۰). از آنچه تاکنون ذکر شد واضح است ذخایر فرهنگی تمام آن چیزهایی است که فی‌المثل فرهنگ ایرانی را از فرهنگ آمریکایی متمایز می‌کند؛ چیزهایی که اهالی هر فرهنگ آن‌ها را به صورت اتوماتیک تشخیص می‌دهند. ریزفرهنگ‌ها در سیستم فرهنگ می‌تواند هم از نوع نمادین و هم مادی باشد: اقلام غذایی، پوشش، گل و گیاهان، شیوه‌های احوالپرسی، ژست‌های بدن و اجزای زبانی چون ضرب‌المثل و غیره (ایون زوهر، مکاتبه شخصی، ۲۸ فروردین ۱۳۹۴). در خصوص اقلام نشانه‌شناختی باید به ریشه‌های رفتار و آداب و گفتار اقوام حساس بود؛ چراکه بسیاری از آن‌ها در لایه‌های پنهان خود دارای زمینه‌های فرهنگی بوده‌اند که با گذشت زمان کم‌کم فراموش و محو شده‌اند و اهالی آن فرهنگ خاص به دلیل تماس زیاد با آن‌ها و استفاده دائمی‌شان متوجه فرهنگی بودن آن‌ها نیستند. مثلاً در زبان فارسی استعاره «مثل فرشته معصوم بودن» با فراوانی بالایی در متون و محاوره دیده می‌شود، در مقابل هم انگلیسی‌زبانان استعاره «مثل کبوتر معصوم بودن» را زیاد به کار می‌برند. این استعاره ریشه در انجیل متی دارد و به دلیل این ریشه و فراوانی بسیار بالای آن برای انگلیسی‌زبانان، فرهنگی محسوب خواهد شد. بالطبع استعاره فارسی آن هم با توجه به استفاده زیاد و ثابت شدن در زبان فرهنگی محسوب می‌شود (ایون زوهر، مکاتبه شخصی، ۲۸ فروردین ۱۳۹۴). به عقیده داروین بدن انسان و سایر موجودات خود را با محیط تطبیق می‌دهند و آن دسته از موجودات زنده می‌مانند که فیزیک بدنشان بیشتر با محیط سازگار باشد. مشابه همین موضوع درباره فرهنگ و زبان صادق است. یعنی تطبیق یافتن انسان با محیط علاوه بر شاخصه‌های فیزیکی،

1. internalized

2. crystalized

دارای فرآیندهای ذهنی و شناختی هم هست. این فرآیندهای ذهنی می‌تواند با زبان اعمال شود. از این رو زبان نیز بازتابی از فرهنگ و تفکرات اقوام است (بوید^۱ و ریچارسون^۲، ۱۹۸۵). استفاده مکرر و فراوان از عباراتی خاص در زبان عامه و اهالی یک فرهنگ در مدت زمان طولانی، آن عبارات را به صورت اجزایی ثابت در زبان درمی‌آورد که می‌توانند به شکل اصطلاحات، ضرب‌المثل، کنایه، استعاره و... باشند. هر کدام از این قالب‌های ثابت، به حکم تغییرناپذیری، ماندگاری و تکرر در زبان، فرهنگی محسوب می‌شوند، اما ریشه‌های فرهنگی آن‌ها در طول زمان از بین رفته است (ایون زوهر، مکاتبه شخصی، ۷ آبان ۱۳۹۴). دهخدا در امثال و حکم (۱۳۸۳) بسیاری از اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌های فارسی را آورده و در این میان ریشه برخی را نیز ذکر کرده است. در این ریشه‌ها به وضوح پدیده‌های فرهنگی دیده می‌شود. مثلاً عبارت «آب زیر کاه» در زبان فارسی به صورت قالب ثابت درآمده و بار استعاری آن به معنای آن شخص مکار و حيله‌گر است. دلیل ایجاد چنین معنایی از این اصطلاح در ریشه این عبارات نهفته است (آملی، ۱۳۹۱). واضح است که همه ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، اصطلاحات و استعاره‌هایی که در زبان ثابت شده‌اند، طوری که استفاده آن‌ها با فراوانی زیادی در زبان اهالی فرهنگ دیده می‌شود، جزء ریزفرهنگ‌ها هستند (ایون زوهر، مکاتبه شخصی، ۶ آبان ۱۳۹۴). ایده پشت این نوع نگرش به قالب‌های ثابت زبان^۳ این است که هیچ کلمات و عباراتی به صورت تصادفی و الله‌بختکی در زبان کنار هم قرار نمی‌گیرند، بلکه احتمالاً ریشه‌ای در فرهنگ، ادبیات، مذهب و... داشته‌اند. دقت شود که منظور از «کنار هم قرار گرفتن» از لحاظ دستوری نیست، چرا که از این منظر تمامی زبان‌ها قواعدی در خود دارند. کنار هم قرار گرفتن به معنای استفاده مکرر و تبدیل شدن به ثوابت زبان است. این موضوع در خصوص هماینها^۴ هم برقرار است. در زبان فارسی همایندی مانند

-
1. Boyd
 2. Richerson
 3. fixed or given expressions
 4. collocations

«قاشق چنگال» وجود دارد، در حالی که در زبان انگلیسی همایند «کارد و چنگال» یافت می‌شود، این هماینها ریشه در آداب غذا خوردن گروه‌ها دارند و فرهنگی محسوب می‌شوند. برخی مواقع هماینها یا عبارات ثابتی از متون ادبی یا مذهبی قومی وارد زبان شده، مکرر استفاده شده و در زبان تثبت می‌شوند. این نوع هماینها و عبارات هم جزء ریزفرهنگ‌ها فرهنگی محسوب می‌شوند (ایون زوهر، مکاتبه شخصی، ۱ آذر ۱۳۹۴). با توجه به اینکه تمرکز تحقیق فعلی بر عنصر «ذخایر»^۱ در مدل فرهنگی ایون زوهر است و توضیحات کافی هم در خصوص آن آمد، به دیگر اجزای مدل فرهنگی زوهر نمی‌پردازیم.

۳. روش پژوهش

مطالعه فعلی طبق تعاریف ویلیامز^۲ و چسترمن^۳ (۲۰۰۲) در دسته تحقیقات تجربی^۴ و توصیفی^۵ قرار می‌گیرد. از آنجا که هدف این پژوهش ابتدا یافتن انواع ریزفرهنگ‌های ایرانی و سپس مطالعه نحوه ترجمه آن‌ها در انگلیسی است، بالطبع باید پژوهش در پیکره‌ای فارسی و ترجمه شده به انگلیسی انجام گیرد. ریان (۲۰۰۶) کاراکترهای رمان دانی‌جان ناپلئون را تصاویری از جامعه ایرانی می‌داند. فتاحی (۱۳۹۱) در گزارشی این رمان را به «بمب فرهنگی ایران» تشبیه می‌کند. نفیسی (۲۰۰۶) این رمان را نماینده جامعه ایران می‌نامد و باغی را که داستان در آن اتفاق می‌افتد، کوچک شده جامعه ایرانی می‌داند. پزشکزاد (خطیبی، ۱۳۹۳) در مصاحبه‌ای اتفاقات و کاراکترهای کتاب را برگرفته از انسان‌های واقعی زندگی شخصی و تجارب خود معرفی می‌کند. دادور (۱۳۸۴) می‌گوید پزشکزاد، با توجه به وقایع سیاسی اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰، ظهور سرمایه‌سالاری و تغییر ساختاری طبقات اجتماعی را در کتاب خود مطرح می‌سازد. بنابراین کتاب برای بررسی فرهنگ مناسب

-
1. repertoire
 2. Williams
 3. Chesterman
 4. Empirical
 5. exploratory

است. این رمان به‌عنوان پیکره، ۴۶۲ صفحه و بالغ بر ۲۳۰ هزار کلمه است. با توجه به مطالب چارچوب نظری، جستجویی در میان متون نظم و نثر ادبیات کلاسیک فارسی یا متون مذهبی لازم است. واضح است که چنین جستجویی به هیچ وجه نمی‌تواند دستی صورت گیرد. برای نیل به این هدف از وبگاه‌ها و نرم‌افزارهایی حاوی پایگاه داده ادبی یا مذهبی استفاده شد. این نرم‌افزارها در واقع ابزارهای تحقیق برای اطمینان در جمع‌آوری بعضی داده‌های خاص بوده‌اند (چون بعضی هماینها در زبان به دلیل هم‌آوایی، هم‌وزنی، ریتم و یا هم‌معنایی ایجاد شده‌اند و فرهنگی محسوب نمی‌شوند). نرم‌افزار «دُرَج» با پایگاه داده کامل از نظم و نثر فارسی و امکان جستجوی پیشرفته، وبگاه «گنجور»^۱ حاوی اشعار کامل ۵۵ شاعر کلاسیک فارسی با امکان جستجوی موردی عبارت و کلمه و وبگاه «پارست»^۲ حاوی ۳۴۰ هزار بیت از ۳۵ شاعر کلاسیک فارسی، همه برای جستجوی هماینها و عبارات ثابت ظاهراً ادبی و فارسی به‌کار رفتند. در همان وبگاه پارست، جستجو در متن کامل قرآن^۳ و نهج‌البلاغه^۴ هم به‌صورت جداگانه ممکن بود. وبگاه حسین انصاریان نیز جستجوی پیشرفته در متن عربی قرآن^۵، نهج‌البلاغه^۶، صحیفه سجادیه^۷ و مفاتیح‌الجنان^۸ را در اختیار کاربران قرار داده است. وبگاه «تدبر»^۹ هم جستجو در متن عربی قرآن را ممکن کرده است. به علاوه، نرم‌افزار «المبین» نیز قابلیت جستجوی پیشرفته در قرآن و نهج‌البلاغه را دارد. این مجموعه وبگاه‌ها و نرم‌افزارهای جستجو کمک بسیاری مهمی در برخی موارد داشتند و جزء ابزار تحقیق به حساب می‌آیند. هنگام مقایسه متن مبدأ

1. <http://ganjoor.net/>

2. <http://www.parset.com/Culture/Poems/>

3. <http://www.parset.com/Culture/Quran/>

4. <http://www.parset.com/Culture/Nahj/>

5. http://www.erfan.ir/farsi/quran/quran_proj/search/advance_search.php

6. http://www.erfan.ir/farsi/nahj/nsm_proj/search/advance_search.php

7. http://www.erfan.ir/farsi/sahife/nsm_proj/search/advance_search.php

8. <http://www.erfan.ir/farsi/mafatih/search>

9. <http://tadabbor.org/?page=quransearch>

با ترجمه انگلیسی در مرحله تحلیل، برای تعیین راهبرد، از وبگاه پیکره کوکا، حاوی ۵۲۰ میلیون کلمه انگلیسی، و فرهنگ لغت وبستر استفاده شد. چراکه در مواردی مثل استعاره‌ها و اصطلاحات و ... لازم بود بررسی شود آیا ترجمه هم اصطلاح و استعاره‌ای متداول در زبان مقصد است یا خیر. روند دسته‌بندی اجزا، مقایسه و مشاهده داده‌های آماری هم به وسیله جداول، نمودارهای درختی، دایره‌ای و مستطیلی تسهیل شدند. نمودارهای درختی با استفاده از نرم‌افزار visio و نمودارهای دایره‌ای و مستطیلی با استفاده از قالب‌های موجود در word رسم شدند. با توجه به تعاریف دورنی^۲ (۲۰۱۱) از پژوهش‌های کمی و کیفی، تحقیق فعلی در دسته کیفی قرار دارد. او در این دسته پژوهش دو نوع نمونه‌برداری نظری^۳ و هدفگرا^۴ را تعریف می‌کند، که با توجه به تعاریف وی، و آنچه در قسمت انتخاب نمونه آمد، پژوهش فعلی دارای نمونه‌برداری هدفگراست. اگر عبارت ثابتی در زبان فارسی، با فراوانی بالا در متون ادبی یا مذهبی وجود داشته به‌عنوان یک ریزفرهنگ استخراج شده است. در خصوص استخراج بقیه ریزفرهنگ‌ها، با توجه به تعاریف قبلی که ریزفرهنگ‌های ایرانی وجه تمایز فرهنگ ایرانی با فرهنگ‌های دیگر هستند، با توجه به فارسی‌زبان و ایرانی بودن نگارنده این ریزفرهنگ‌ها اغلب به‌وضوح مشخص هستند و استخراج شدند. به‌واقع شیوه جمع‌آوری داده‌ها یادداشت‌برداری و جستجو در نرم‌افزارها و وبگاه‌های مذکور بوده است. دورنی (۲۰۱۱) در پژوهش‌های کیفی روشی برای تحلیل داده به نام «نظریه داده‌بنیاد»^۵ مطرح می‌کند. روش به‌کار رفته در تحقیق فعلی از همین نوع است. برای به دست آوردن دسته‌بندی انواع ریزفرهنگ‌های ایرانی از رمان، پس از استخراج اولیه آن‌ها، هر یک با توجه به مقوله فرهنگی موجود در آن‌ها، تحت نامی قرار گرفتند. مثلاً اسامی خاص مذهبی (حضرت معصومه، مرتضی علی،

1. <http://corpus.byu.edu/coca/>

2. Dornyei

3. theoretical

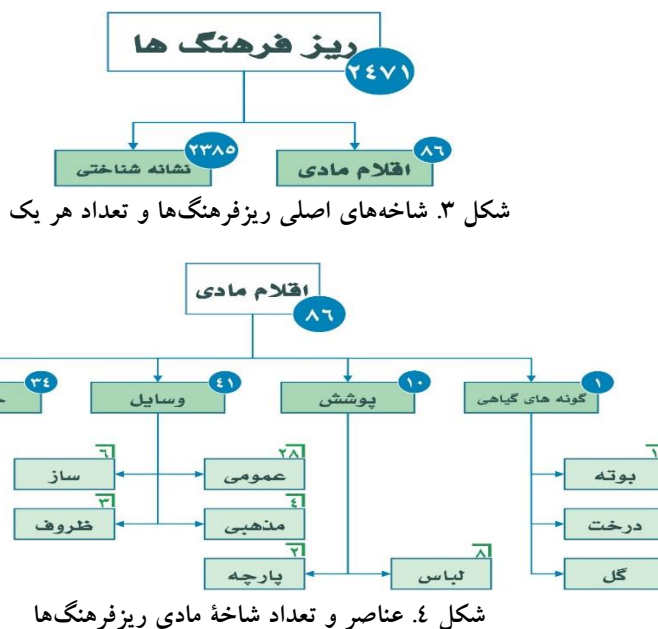
4. purposive

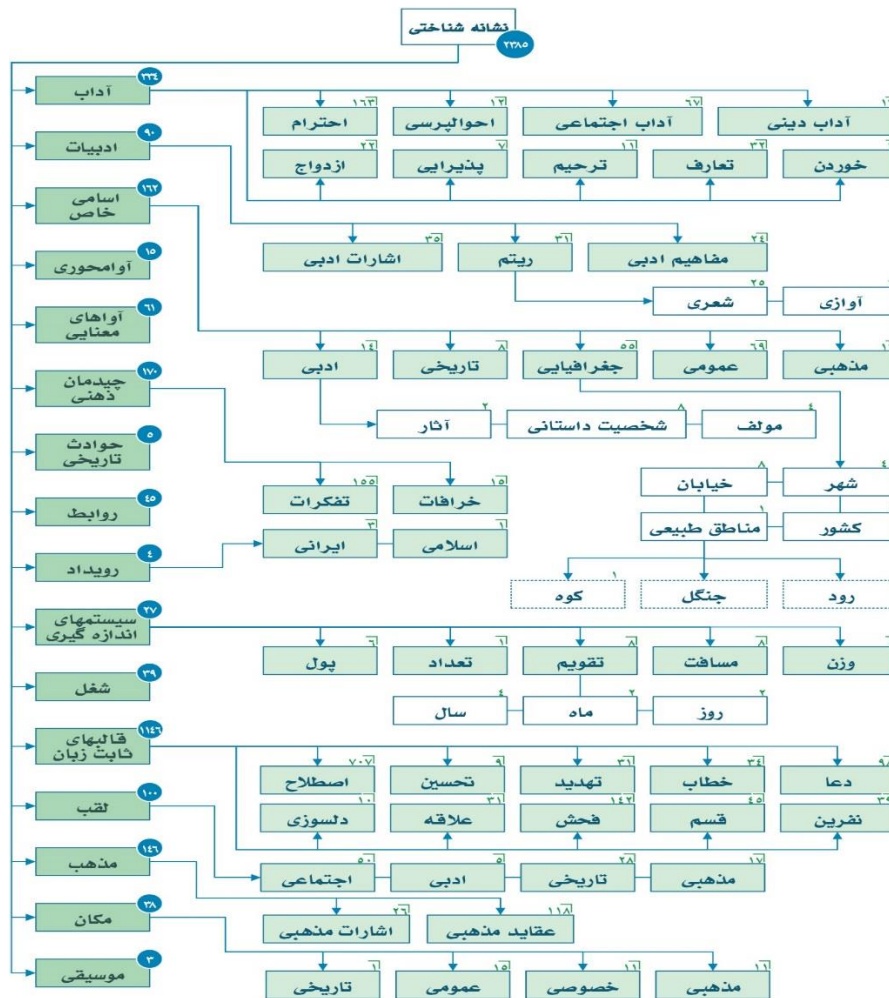
5. grounded theory

و... یکی از برجسب‌های اولیه بود که در مراحل بعدی تحلیل در کنار دسته‌های دیگری مثل اسامی خاص تاریخی، در گروه بزرگ‌تر «اسامی خاص» قرار گرفتند. این دسته‌بندی قدم‌به‌قدم که هر مجموعه را در کنار مجموعه‌های مشابه، در دسته بزرگ‌تری قرار می‌داد، در نهایت منتج به یک نمودار درختی شد که حاوی انواع ریزفرهنگ‌ها موجود در رمان بود. دو شاخه اصلی این نمودار طبق نظریه ایون زوهر، مادی و نشانه‌شناختی هستند که این دو هم زیر مجموعه ذخایر فرهنگی محسوب می‌شوند. در بررسی با استفاده از مدل مقایسه‌ای، ابتدا راهبردهای مترجم با توجه به ماهیتشان مشخص شدند. برجسب‌زدن به راهبردها طبق ماهیتشان، در واقع گنجاندن آن‌ها در کنار هم تحت یک نام بود که مطابق نظریه داده‌بنیاد است.

۴. ارائه و تحلیل داده

نمودار درختی به‌دست آمده از طریق نظریه داده‌بنیاد، به‌علت محدودیت فضا در سه نمودار نشان داده می‌شود. در شکل‌های ۳ و ۴ و ۵ می‌توانید اجزای هر یک را ملاحظه کنید. اعدادی که در کنار هر نام دیده می‌شود، تعداد آن گروه را در پیکره نشان می‌دهد.





شکل ۵. عناصر و تعداد شاخه نشانه شناختی ریفرهنگها

نمودار درختی حاصل از تحلیل داده‌ها در متن مبدأ، به وضوح پاسخ اولین سؤال را محقق می‌کند.

شاخه اول اقلام مادی هستند که مواد آنها از لحاظ فرهنگی حائز اهمیت است. اقلام مصرفی اقوام و فرهنگ‌ها متفاوت است که می‌تواند غذا، نوشیدنی و مصرف کردنی باشد. در پیکره مورد مطالعه غذایی مثل آش رشته، نوشیدنی‌هایی مانند سکنجبین و مواد مصرفی کلی مثل گلاب وجود داشتند. در خصوص اسباب زندگی

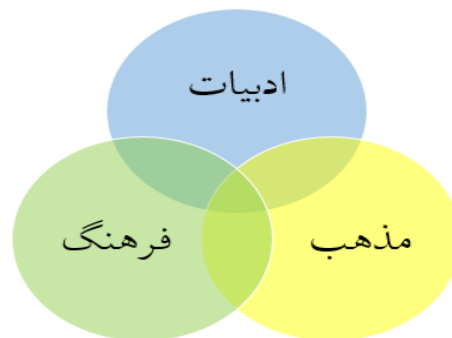
هم اقوام تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. مثلاً در اسباب، زیر شاخه‌ای مثل ظرف وجود دارد، که مثالی در متن مانند *قرابه* داشته است، اما این نوع ظرف‌ها کم‌کم کاربرد خود را در زندگی مدرن امروزی از دست داده‌اند. سازهای موسیقی سنتی ایرانی هم مثل *کمانچه* جزء ریزفرهنگ‌های اسباب هستند. از اسبابی که به مذهب مربوط است می‌توان *مهرنماز* را مثال زد و بقیه اسباب مادی در دسته خاصی قرار نمی‌گیرند، مانند *پشتی* یا *مخده*. در شاخه پوشش، فرهنگ‌ها می‌توانند اقلام مادی متفاوت اعم از پارچه یا لباس داشته باشند. مثلاً *پارچه نائینی* یا *عمامه*. بسته به این که حوزه‌های مقایسه شده از لحاظ فرهنگی چقدر از لحاظ جغرافیایی فاصله دارند، حتی گونه‌های گیاهی هم می‌توانند جزء ریزفرهنگ‌ها مادی به حساب آیند. مثلاً اگر گل خاصی در کشوری موجود است که در جای دیگر موجود نیست و در متنی به آن برخورد شود، برای فرد بیگانه غریب خواهد نمود، چون تا به حال آن را ندیده و از خصوصیات مادی آن تصویری ندارد.

می‌دانیم شاخه نشانه‌شناختی به اجزایی از فرهنگ برمی‌گردد که در ذهن ایرانی نشانه‌هایی را متبادر می‌کنند و مثلاً در ذهن یک آمریکایی نشانه هیچ چیز نیستند. مثالی در نظر بگیرید مانند «هزار تومان»؛ این مقوله اولاً در فرهنگ ایران معنا پیدا می‌کند، هر ایرانی می‌داند آن یک اسکناس است و چه شکل و طرحی دارد، چه ارزشی دارد، در قبال آن چه خدماتی می‌توان دریافت کرد. حال اگر یک فرد که در لندن زندگی کرده و بزرگ شده در متنی *one thousand tomans* را بخواند، هیچ یک از آن معانی به ذهنش متبادر نمی‌شود. همین مسئله آن را تبدیل به ریزفرهنگ ایرانی می‌کند. در ادامه برای برخی موارد نشانه‌شناختی توضیح و مثال آورده می‌شود.

آداب زندگی ایرانی ویژگی‌های خاص خود را داراست. در خصوص احترام، مثلاً در فرهنگ ما گاهی هنگام صحبت به جای «تو گفتی» عبارت «شما فرمودید» به کار می‌برند. این نوع صحبت در خود نشانه‌های بسیاری از جایگاه دو شخص و رابطه بین آن‌ها برای یک ایرانی خواهد داشت. یا در آداب اجتماعی مثلاً مردی اگر وارد جایی غریبه می‌شد که احتمال می‌داد زنی آنجا باشد «یاالله» می‌گفت. ایرانیان برای

مراسم مذهبی خود هم آدابی دارند که بین تمام شیعیان و مسلمانان رایج نیست. بنابراین، این آداب، با این که محتوای مذهبی دارند، از آنجا که مختص ایران هستند در دسته آداب قرار گرفته‌اند و نه مذهب. از جمله این آداب می‌توان *سفره ابوالفضل* را مثال زد. زیرشاخه پذیرایی دارای اجزایی مثل نوع پذیرایی است. مثلاً در ایران عرف پذیرایی با چای است و پذیرایی با قهوه آنچنان بین همگان رایج نیست. برای تعارف هم به همین صورت بیاناتی مثل «قدم بر چشم ما بگذارید» به کار می‌روند. آداب خوردن هم حاوی عناصری مانند «قاشق چنگال» است.

مدل فرهنگی ایون زوهر تفکری سیستمی محسوب می‌شود و نمی‌توان میان سیستم‌های مختلف برای قومی خاص مرزهای مشخصی قائل شد، یعنی این سیستم‌ها همواره هم‌پوشانی‌هایی دارند و عناصری می‌توانند به‌طور مشترک در چند سیستم قرار گیرند. اگر کشور ایران را به‌عنوان گروه بزرگی از افراد، دارای سیستم‌های مذهبی، ادبی، فرهنگی و ... بدانیم، شکلی مطابق شکل ۶ خواهیم داشت که ذخایر موجود در کل دایره فرهنگ مورد بررسی است. واضح است این دایره، قسمتهایی از سیستم‌های ادبیات و مذهب را هم در بر می‌گیرد.



شکل ۶. سیستم‌ها و همپوشانی‌شان با فرهنگ

پس مواردی در سیستم فرهنگ هستند که جزء سیستم‌های ادبیات و مذهب هم محسوب می‌شوند. در چارچوب نظری توضیح داده شد که چرا و چگونه عناصری از ادبیات و مذهب در فرهنگ ماندگار شده و ریزفرهنگ ایرانی محسوب می‌شوند. این

همپوشانی سیستم‌ها، شاخه‌های ادبیات و مذهب را در نمودار توجیه می‌کند. برخی عبارات و هماینها هستند که به دلیل تکرر در متون مذهبی، به زبان عوام راه یافته و جزء ثابتی از آن شده‌اند، مثل همایند دین و ایمان که در گروه اشارات مذهبی است و همایند «جور و جفا» در زبان فارسی که جزء اشارات ادبی به حساب می‌آید.

نمونه‌های گروه آواهای معنایی، آخ، آه، اوا، هی و... هستند. در زندگی ایرانیان هر کدام از این آواها دارای معنایی هستند و نشانه‌ای دارند، اعم از درد، تعجب و.. این نوع آواها در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد و از لحاظ سمعی تفاوت‌هایی دارند، پس فرهنگی محسوب می‌شوند.

هنگام تعریف ذخایر فرهنگی از دید ایون زوهر در چارچوب نظری، ذکر شد که فرهنگ، نحوه درک اجتماع انسان‌ها از جهان بیرونی است. این که گروهی از انسان‌ها چه دریافتی از جهان هستی دارند، نشان‌دهنده و سازنده اجزای فرهنگی آن‌ها خواهد بود. یول (۲۰۱۰) هنگام صحبت از ریشه‌های آغاز زبان، از تاثیرگذاری آواهای واقعی جهان بیرونی بر ایجاد و ساختن برخی واژه‌ها سخن می‌گوید. وی کلماتی از انگلیسی مثال می‌آورد: rattle, bang, splash، و ادعا می‌کند در اغلب زبان‌ها کلماتی با ریشه آوایی هم وجود دارد. این پدیده «نام‌آوا»^۱ نامیده شده است و همان‌طور که در شکل ۵ می‌بینید «آوامحوری» زیرشاخه‌ای از اقلام نشانه‌شناختی به حساب آمده است. پدیده نام‌آوا در کلمات زبان به این دلیل جزئی از فرهنگ لحاظ شده است که، طبق تعاریف یول و ایون زوهر، حاصل درک گروهی از انسان‌ها از جهان بیرون است. نمونه‌های آن‌ها در متن افعال پچ‌پچ کردن یا هقهقه کردن است که طبق آواهایشان تبدیل به کلمه شده‌اند.

زیرشاخه‌ای در اقلام نشانه‌شناختی تحت نام چیدمان ذهنی قرار دارد که به نحوه تفکرات و نیز خرافات در فرهنگ ایرانی اشاره دارد. گروه تفکرات اجزای متعددی داشت، مثل دیدگاه فرهنگ ایرانی نسبت به زنان وقتی کلمه «ضعیفه» به کار می‌رود و به کار بردن آن در زبان نشانه تفکر خاصی است.

1. onomatopoeia

تقویم به‌عنوان سیستمی برای اندازه‌گیری زمان، در فرهنگ ایرانی به شکل خاص شمسی وجود دارد. برای ما مثلاً سال ۱۳۳۰ آشنا و حاوی معناهای تلویحی است. مترجم در تمام متن همهٔ سال‌ها، ماه‌ها و روزها را به میلادی برگردانده است. از جمله دیگر اجزای سیستم‌های اندازه‌گیری، تعداد است. مثلاً ایرانیان در گذشته از واژهٔ کرور برابر با ۵۰۰ هزار یا نیم میلیون زیاد استفاده می‌کردند. برای وزن هم مصادیقی همچون *متقال* وجود داشته. به همین ترتیب برای مسافت سنجیهایی مثل گز. پول یا واحد ارزی هم به‌عنوان سیستمی برای اندازه‌گیری ارزش دارای مصادیق *تومان* و *قران* است.

در ذخایر فرهنگ ایرانی، مکان‌هایی وجود دارد که ممکن است برای افراد غیر ایرانی هیچ مفهومی نداشته باشند: مکان‌های مذهبی مثل حسینیه و مکان‌های تاریخی مثل کاخ گلستان. برخی هم مربوط به معماری سنتی ایرانی می‌شوند. در معماری داخلی که در شکل ۵ تحت نام مکان خصوصی آمده، ایران قدیم، خانه‌ها جایی ب نام *اتاق پنج‌دری* داشتند که ویژگی‌های خاصی داشته یا معماری شهری که در شکل ۵ تحت نام مکان عمومی است، جایی مثل حمام شهر داشته است.

قالب‌های ثابت در زبان فارسی به کرات در زبان عامه به‌کار رفته و اجزای همگانی زبان هستند. مثل *از خر شیطان پایین آمدن*، *آرزوی چیزی را به گور بردن*، *جایی را مثل کف دست بلد بودن*. تحسین هم نمونه‌های مثل *بارک الله* دارد. قالب ثابتی مثل *پدر کسی را در آوردن* برای تهدید استفاده می‌شود. خطاب‌هایی مثل *مرد حسابی* هم در قالب‌های زبانی عوام هستند. برای دلسوزی کردن در فرهنگ ایرانی عبارات ثابتی مثل *مادر مرده* وجود دارد، یا برای ابراز علاقه *الهی دورت بگردم* زیاد به‌کار می‌رود. در ذخایر فرهنگی ما فحش‌های خاصی وجود دارد که ثابت هستند مثل *بی همه چیز*.

در متن ترجمهٔ *رمان شش راهبرد کلی* در قبال ریزفرهنگ‌های ایرانی وجود دارد. یکی از راهبردهای مترجم در متن اصلی *رمان*، *راهبرد/تتقال عینی* است. در این راهبرد، هر ریزفرهنگ ایرانی عیناً به عاریت گرفته شده و بدون دستکاری رونویسی

شده است. این راهبرد در قبال اقلام مادی، حالت آوانویسی حرف به حرف از روی کلمه فارسی، و در قبال عبارات زبانی و نشانه‌شناختی فرهنگ ایرانی، به صورت ترجمه لفظ به لفظ عبارت است. مثلاً برای آبگوشت بعضاً به صورت Ab-Gusht و برای عبارت دعایی «خدا برای هیچ بنده‌ای نخواهد» به صورت May God not wish that on any poor devil ترجمه شده است. این‌ها نمونه‌هایی از انتقال عینی است. چه آوانویسی از حروف (وامگیری)، چه گرده برداری و چه ترجمه تحت‌اللفظی از ریزفرهنگ‌ها، همگی در دسته انتقال عینی قرار می‌گیرند. پس هرگاه مترجم ریزفرهنگ ایرانی را که طبیعتاً در فرهنگ مقصد بیگانه است، به هر طریقی (آوانویسی، گرده برداری، ترجمه تحت‌اللفظی و...) عیناً منتقل کند، راهبرد انتقال عینی است. مثلاً برای عبارات ثابت فرهنگ ایرانی، ترجمه تحت‌اللفظی، انتقال عینی محسوب می‌شود، چون غیر ایرانیان مثلاً چنان دعا یا قسم یا فحشی را در فرهنگشان ندارند.

راهبرد دیگر افزایش نام دارد، که شامل انتقال عینی به علاوه افزایش یکی دو کلمه کوتاه است. در این شیوه، مترجم، ریزفرهنگ را که به صورت کلمه یا عبارت و جمله است، ابتدا عیناً انتقال می‌دهد، سپس برای روشن کردن نسبی مفهوم آن برای خواننده بیگانه، یکی دو کلمه به آن می‌افزاید. مثلاً کلمه مادی آش رشته را به صورت ash-reshteh soup می‌نویسد. او با اضافه کردن کلمه سوپ نشان داده که صحبت از نوعی سوپ است. یا اگر در فارسی هنگام احترام گذاشتن، فعل جمع بسته می‌شود، مترجم با ترجمه تحت‌اللفظی و سپس اضافه کردن کلمه please یا sir و... سعی کرده احترام را منتقل کند. در راهبرد فرهنگ‌زدایی، مترجم بار فرهنگی موجود در ریزفرهنگ را از بین برده و صرفاً فحوای کلی آن را ترجمه می‌کند. نمونه‌های آن ترجمه برخی اصطلاحات است. مانند: گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود که به صورت he took no notice و عبارت «قسم به نمکی که با هم خوردیم» که به صورت for our friendship ترجمه شده است.

مترجم برای برخی ریزفرهنگ‌ها که در متن اصلی آمده‌اند، توضیحاتی اضافه می‌کند. این شیوه شاید کمی مشابه راهبرد/افزایش باشد، مترجم در هر دو راهبرد، سعی دارد اطلاعات نهفته^۱ در ریزفرهنگ را که فقط خواننده ایرانی آن را درک می‌کند، به شکلی بیان کند. در/افزایش یکی دو کلمه کوتاه، همراه با شکل اصلی کلمه می‌آید ولی در این شیوه، مترجم در طی ترجمه کاملاً به توضیح و تفصیل ریزفرهنگ می‌پردازد. این توضیحات تقریباً در حد تعاریف لغت‌نامه‌ای است و از این رو با راهبرد افزایش تفاوت زیادی دارد. مثلاً مترجم فقط برای یک کلمه «تعزیه» در متن اصلی، Put the plays on for the martyrdom of the blessed Hosayn می‌نویسد. به‌علاوه در راهبرد افزایش، ریزفرهنگ مبدأ هم در ترجمه وجود دارد ولی در راهبرد تفصیل ریزفرهنگ مبدأ از بین رفته و توضیحات مفصلی جای آن را می‌گیرد!

در برخی موارد مترجم ریزفرهنگ را حذف می‌کند: مثلاً نام خاص و القاب در شازده اسد/الله میرزا کلاً حذف شده و he به‌جایش آمده است.

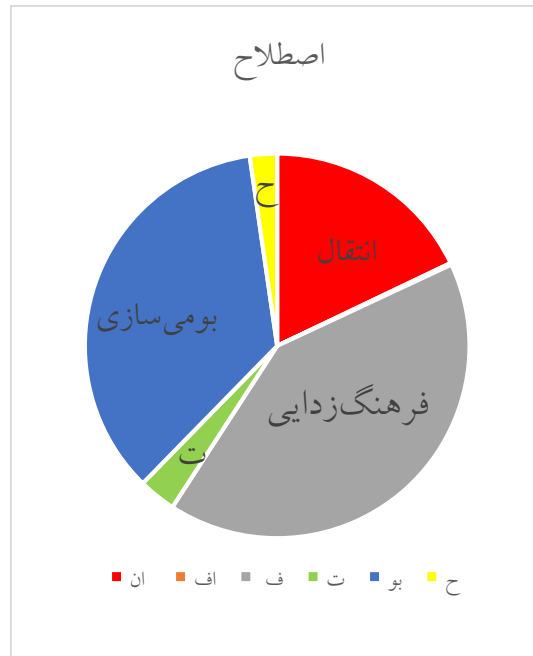
مترجم در برابر برخی موارد، نمونه مشابهی در فرهنگ و زبان مقصد یافته و جایگزین می‌کند. مثلاً برای/تاق پنج‌دری، room with French windows و برای دعای «یا مرتضی علی به دادم برس» ترجمه God and all the saints help me قرار می‌دهد. این راهبرد به نام بومی‌سازی شناخته شده است. یعنی در نمونه‌های مادی و نشانه‌شناختی، مترجم از اقلام و نشانه‌های مشابهی در فرهنگ انگلیسی استفاده کرده. تشخیص و اطمینان یافتن در این خصوص از جستجو کردن عبارت مورد نظر در دیکشنری وبستر بزرگ و وبگاه پیکره انگلیسی کوکا مشخص می‌شده است. مترجم در متن اصلی ترجمه رمان شش راهبرد/انتقال عینی، افزایش، فرهنگ‌زدایی، تفصیل، حذف و بومی‌سازی را به‌کار برده است.

جدول ۱. ریزفرهنگ‌های موجود در گروه قالب‌های ثابت زبان و تعداد راهبردها

گروه	قالب‌های ثابت زبان										
	اصطلاح	تحسین	تهدید	خطاب	دعا	دلسوزی	علاقه	فحش	قسم	نفرین	نوع
کل	۷۰۷	۹	۳۱	۳۴	۹۸	۱۰	۳۱	۱۴۲	۴۵	۳۹	
انتقال	۱۲۵	۰	۵	۱	۱۰	۰	۱	۱۱	۸	۸	
افزایش	۱۰	۰	۰	۴	۰	۲	۰	۱۲	۶	۱	
فرهنگ‌زدایی	۲۸۷	۵	۱۰	۱۲	۲۲	۶	۲۳	۳۷	۷	۵	
تفصیل	۲۲	۰	۱	۱	۸	۰	۲	۲	۲	۳	
بومی‌سازی	۲۴۷	۳	۱۵	۱۲	۴۶	۲	۲	۷۳	۱۹	۲۲	
حذف	۱۶	۱	۰	۴	۱۲	۰	۳	۷	۳	۰	

از مقایسه ریزفرهنگ‌ها مقابل ترجمه انگلیسی، برای تمامی گروه‌ها، تعداد راهبردهای مختلف مترجم استخراج شده است. نمونه فراوانی یکی از گروه‌ها را در جدول ۱ می‌بینید. حال اگر بخواهیم درصد راهبردهای مترجم را برای دسته‌های مختلف به شکل جداگانه بررسی کنیم، درصد گرفتن از دسته‌های کم تعداد از لحاظ آماری منطقی به نظر نمی‌رسد. ولی از دسته‌های دارای حدود ۳۰-۴۰ ریزفرهنگ به بالا در خصوص راهبرد، درصدگیری شده است. برای بررسی بهتر اطلاعات به دست آمده از لحاظ بصری و مقایسه راحت‌تر، علاوه بر درصدهای عددی، شکل پیاده شده درصدها در نمودار دایره‌ای هم قابل تهیه است که نمونه اصطلاح را در شکل ۸ می‌بینید.

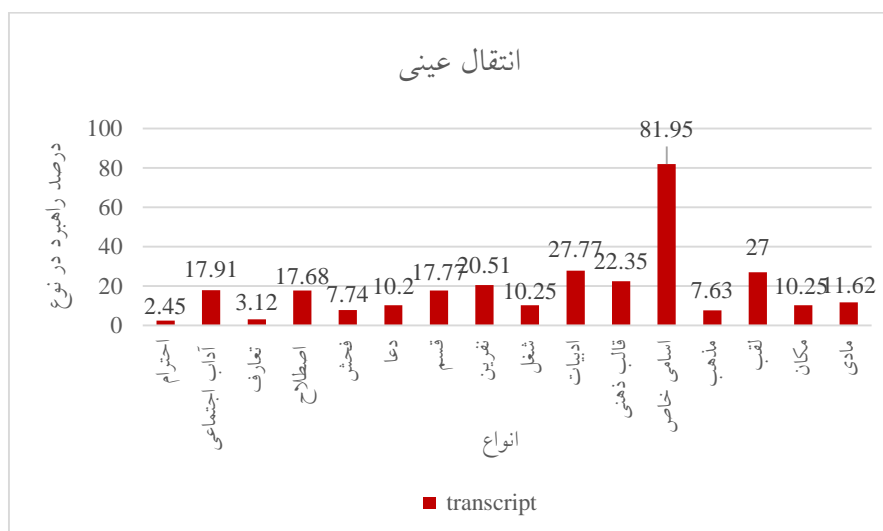
علاوه بر اصطلاح، برای زیرشاخه‌های ریزفرهنگ‌های احترام، آداب اجتماعی، تعارف، فحش، دعا، قسم، نفرین و سرشاخه‌های شغل، ادبیات، قالب ذهنی، اسامی خاص، مذهب، لقب، مکان و شاخه اصلی اقلام مادی و کل ریزفرهنگ‌ها نیز درصدها تهیه شده است.



شکل ۸. نمودار دایره‌ای مربوط به ریزفرهنگ اصطلاح و راهبردهای ترجمه‌اش

می‌بینیم که راهبردهای غالب در ترجمه اصطلاحات ثابت فرهنگ ایرانی، بومی‌سازی و فرهنگ‌زدایی (به ترتیب با درصد‌های ۳۴/۹۳ و ۴۰/۵۹) هستند. این مسئله تنها برای اصطلاحات صدق نمی‌کند بلکه به جز چهار گروه، در تمامی دسته‌ها این دو راهبرد غالب بودند. (یعنی از ۱۶ گروه، ۱۲ تا دارای راهبردهای غالبی بودند که فرهنگ مبدأ در آن‌ها منتقل نمی‌شود. تا همینجا هم می‌توان گفت گرایش غالب مترجم خنثی یا متمایل به فرهنگ مقصد بوده است.) آن چهار گروه مستثنی هم بدین قرارند: احترام با راهبرد غالب حذف (۳۶/۱۹ درصد)، تعارف با راهبرد غالب افزایش (۴۶/۷ درصد)، اسامی خاص و لقب هر دو با راهبرد غالب انتقال عینی (به ترتیب ۸۱/۵۹ و ۲۷ درصد) ترجمه شده‌اند.

حال با به دست آوردن درصد راهبردها در گروه‌های پرتعداد ریزفرهنگ‌ها، می‌توان به تفکیک راهبرد هم، استفاده هر راهبرد را در گروه‌های مختلف با هم مقایسه کرد.



شکل ۹. نمودار مستطیلی راهبرد انتقال در گروه‌های مختلف

مثلاً نمودار مستطیلی شکل ۹ برای راهبرد انتقال رسم شده است. واضح است که مترجم در مورد اسامی خاص از این راهبرد بیشترین استفاده را کرده است. یعنی مترجم بیش از همه در مورد اسامی خاص به متن اصلی وفادار بوده است. گروه احترام هم (با ۲/۴۵ درصد) کمترین استفاده از این راهبرد را داشته است. این بدین معناست که ریزفرهنگ احترام ایرانی در فرهنگ غربی کاملاً ناآشناست. این نوع نمودار به همین ترتیب برای هر شش نوع راهبرد قابل تهیه است.

دیدیم که مترجم در اسامی خاص بسیار به فرهنگ مبدأ وفادار است. اما این میزان، با درصدها در گروه‌های دیگر فاصله بسیار زیادی دارد، به طوری که در اسامی خاص ۸۱/۹۵ درصد به کار رفته و رتبه دوم در ادبیات با درصد ۲۷/۷۷ است! تفاوت بالای ۵۰ درصدی در این دو نمونه به خوبی نشان می‌دهد مترجم در دیگر موارد چنان به فرهنگ مبدأ وفادار نبوده است. از لحاظ بصری هم طول کوتاه باقی مستطیل‌ها بیانگر کمتر استفاده شدن این راهبرد است. راهبرد/فزایش هم به طور کلی کم استفاده است. بیشترین استفاده آن در تعارف و احترام به ترتیب با درصدهای

۳۴/۳۷ و ۲۱/۴۷ بوده است که مترجم کلماتی مثل madam, sir, please و... را اضافه می‌کند تا احترام یا تعارف موجود در زبان را برساند. کمترین استفاده هم با صفر درصد در گروه دعا بوده است.

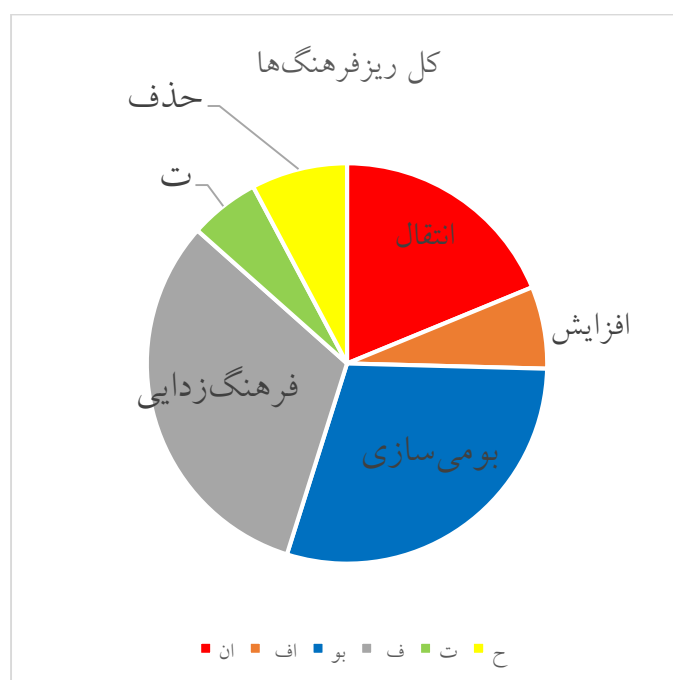
در خصوص فرهنگ‌زدایی، گروه‌های مذهب و قالب ذهنی به ترتیب با ۴۵/۸۳ و ۴۴/۷ درصد نسبت به بقیه گروه‌ها بیشترین استفاده از این راهبرد را داشته‌اند. وقتی فی المثل مترجم عبارت «قاتل امام» را devil ترجمه می‌کند، در واقع جنبه فرهنگی و مذهبی آن را از بین می‌برد. این راهبرد با ۳/۶۸ درصد کمترین استفاده را در اسامی خاص داشته است.

راهبرد تفصیل بسیار بسیار کم کاربرد بوده است. با این حال گروه شغل با ۱۷/۹۴ درصد بیش از بقیه گروه‌ها این راهبرد ترجمه‌ای را داشته است. مثلاً وقتی شغل کله‌پز به صورت Used to cook sheep's heads and sell them from a barrow ترجمه می‌شود، از راهبرد تفصیل استفاده شده است. اما این راهبرد در گروه ادبیات اصلاً به کار برده نشده است.

راهبرد بومی‌سازی هم پرکاربرد بوده است و نفرین و فحش به ترتیب با ۵۶/۴۱ درصد و ۵۱/۴ درصد سهم بیشتری از این راهبرد داشته‌اند. این بدان معناست که مترجم در این دو مقوله بیش از دیگر مقوله‌ها به فرهنگ مقصد پناه برده است. در مقایسه داده‌های مبدأ و مقصد دیده می‌شود مترجم در اغلب موارد از عبارات یکسان حاوی damn و hell در فرهنگ مقصد استفاده کرده و تنوع این ریزفرهنگ‌ها را از بین برده است. این موضوع می‌تواند نشانگر این باشد که فرهنگ ایرانی از لحاظ فحش بسیار غنی است! به علاوه در فرهنگ غربی مقوله نفرین آنچنان پررنگ نیست و معنایی ندارد. اسامی خاص با ۲/۴۵ درصد کمترین میزان این راهبرد است و مترجم برای اسامی خاص اصلاً به فرهنگ مقصد تکیه نکرده است.

راهبرد حذف نیز کم استفاده بوده است. ولی در گروه احترام با ۳۶/۱۹ درصد، بیشترین استفاده را داشته است. با این حساب می‌توان گفت مترجم در ترجمه، معنای ضمنی احترامی را در بسیاری عبارات از بین برده است. از این رو می‌توان احترام

تلویحی موجود در عبارات ایرانی را چالش برانگیزترین موضوع برای ترجمه در نظر گرفت. مثلاً عبارت گفتم با عبارت عرض کردم بسیار در فرهنگ ایرانی تفاوت دارد ولی نشان دادن فرق این دو در ترجمه بسیار سخت است. نفرین و اصطلاح به ترتیب با صفر و ۲/۲۶ درصد کمترین استفاده از راهبرد حذف را داشتند. در کل مترجم ریزفرهنگ‌های کمی را از ترجمه حذف کرده است.



شکل ۱۰. نمودار دایره‌ای درصد راهبردها در کل ترجمه

برای کل راهبردهای درون متنی می‌توان درصد گیری را مطابق شکل ۱۰ انجام داد. می‌بینیم مترجم بیش از نیمی از راهبردها را به بومی‌سازی و فرهنگ‌زدایی اختصاص داده است. مجموع درصدهای این دو نوع راهبرد ۶۱/۱۳ درصد است! مترجم به وضوح در ترجمه ریزفرهنگ‌های ایرانی، یا محتوای فرهنگی آن‌ها را از بین برده یا نمونه مشابه فرهنگ مقصد را جایگزین کرده است. گرچه راهبرد انتقال هم زیاد به نظر می‌آید، اما با مشاهده کردن نمودار مستطیلی آن دیدیم که فقط برای

اسامی خاص درصد بالایی داشت، که در عرف امروزی ترجمه، انتقال عینی آنها کاملاً همگانی است. پس نمی‌توان حتی همان ۱۸/۷۸ درصد این راهبرد را آنچنان هم وفاداری به متن مبدأ خواند!

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ایون زوهر (۲۰۱۲) درباره فرهنگ می‌گوید، در تمامی جنبه‌های زندگی روزانه فردی و تاریخی بین گروهی از انسان‌ها، در تولید و مصرف هر محصول فرهنگی، در فرآیند ایجاد هر پدیده فرهنگی، اهالی فرهنگی خاص به ذخایر فرهنگی مراجعه می‌کنند و از آن استفاده می‌نمایند. این ذخایر مجموعه‌ای غنی است که در طول زمان درازی ایجاد شده است. لذا بعید به نظر می‌رسد صرفاً مدل‌های کوچک حاوی عناصر فرهنگی محدود بتواند نشان‌دهنده فرهنگ غنی، گسترده و با قدمتی مانند فرهنگ ایرانی شود. با این تفاسیر وجود مدلی که گستردگی و جزئیات مناسبی برای بررسی فرهنگ ایرانی داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد. نمودار درختی به دست آمده در این تحقیق می‌تواند ابزار مناسبی جهت بررسی ریزفرهنگ‌های ایرانی باشد.

شش نوع راهبرد اصلی به نام‌های انتقال، افزایش، فرهنگ‌زدایی، تفصیل، حذف و بومی‌سازی بودند. مترجم بیشتر به خنثی کردن جنبه‌های فرهنگی ریزفرهنگ‌ها و یا استفاده از نمونه‌های مشابه فرهنگ مقصد اقدام کرده بود. این نوع عملکرد، در ترجمه‌های آنگلو ساکسون که ادبیات داستانی دیگر کشورها را سطح پایین‌تر می‌دانند، راهبرد غالب است که به آن بومی کردن^۱ یا استانداردسازی^۲ می‌گویند (مانندی، ۲۰۰۸). به‌علاوه با توجه به درصد‌های به دست آمده، احترامات موجود در مکالمه‌های ایرانیان، ترجمه‌ناپذیرترین ریزفرهنگ در برابر فرهنگ غربی است.

1. domestication
2. standardization

کتابنامه

۱. آملی، م. پ. (۱۳۹۱). *ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*. تهران: سنایی.
۲. پزشکیزاد، آ. (۱۳۸۳). *دایی جان ناپلئون*. تهران: صفی‌علیشاه.
۳. خطیبی، ف. (۱۳۹۳، خرداد ۷). *دایی جان ناپلئون، سرقتلی و هووی من. بزرگداشت ایرج پزشکیزاد*. بازیابی از:
BBCPersian.com:
http://www.bbc.com/persian/arts/2014/05/140528_141_book_pezeshkzad_la
۴. دادور، آ. (۱۳۸۴). ایده‌آلیسم انتزاعی در دن کیشوت و دایی جان ناپلئون. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۵ (۱۰)، ۶۲-۴۹.
۵. دهخدا، ع. آ. (۱۳۸۳). *امثال و حکم*. تهران: امیرکبیر.
۶. فتاحی، ک. (۱۳۹۱، ۲۰ مرداد). «بمب فرهنگی ایران» در اسرائیل منفجر شد. بازیابی از:
BBCPersian.com:
http://www.bbc.com/persian/arts/2012/08/120810_ka_kolonel_daeijan_napoleon.shtml
7. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgment of taste*. (R. Nice, Trans.) Cambridge, MA: Harvard University Press.
8. Boyd, R., & Richerson, P. J. (1985). *Culture and the evolutionary process*. Chicago, IL: Chicago University Press.
9. Dornyei, Z. (2011). *Research methods in applied linguistics*. New York, NY: Oxford University Press.
10. Even-Zohar, I. (1991). System, dymanims, and interference in culture: A Synoptic view. *Poetics Today*, 2(1) 85-94.
11. Even-Zohar, I. (1997). Factors and dependencies in culture: A revised outline for polysystem culture research. *Canadian review of comparative literature*, 24(1), 15-24.
12. Even-Zohar, I. (2012). Intellectual labor and the success of societies. In E. H. Lüttich (Eds.), *Sign Culture* (pp. 307-313). Würzburg: Königshausen & Neumann.
13. Jakobson, R. (1960). Linguistics and poetics. In T. A. Sebeok (Eds.), *Style in Language* (pp. 350-377). Cambridge: MIT Press.
14. Munday, J. (2008). *Introducing translation studies* (2nd ed.). New York, NY: Routledge.
15. Nafisi, A. (2006). *The secret garden*. London: The Guardian.
16. Pezeshkzad, I. (2014). *My uncle Napoleon*. (D. Davis, Trans.) Washington: Mage.
17. Ryan, V. (2006). *My uncle Napoleon: Something funny is going on in Tehran*. Washington, DC: The Seattle Times.

18. Williams, J., & Chesterman, A. (2002). *The map, a beginner's guide to doing research in translation studies*. Manchester: St. Jerome.
19. Yule, G. (2010). *The study of language*. New York, NY: Cambridge university press.